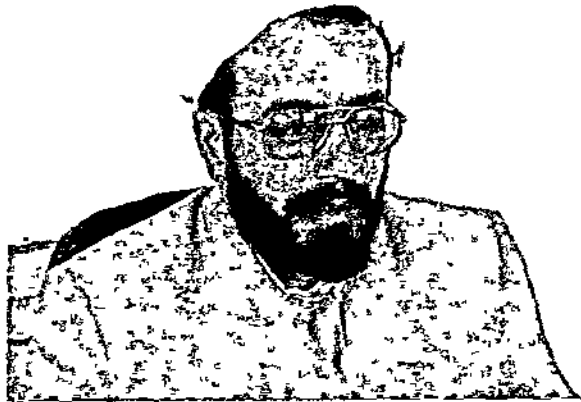




روایت مدیر مرکز پژوهشی قرآن و علوم طبیعی از اشارات علمی قرآن در مورد طبیعت:

## سرفصل های بیشتر علوم در قرآن وجود دارد

با حجت الاسلام دکتر محمد حسن رستمی، مدیر مرکز پژوهشی قرآن و علوم طبیعی بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه به گفتگو نشستیم. او معتقد است که بخش زیادی از آیات قرآن به طبیعت و ارتباط آن با زندگی بشر اختصاص دارد که در صورت شناخت و تدبر در آن، گره بسیاری از مشکلات و نایب سامانی های او گشوده می شود. او همچنین به تفاوت دیدگاه های دیگر ادیان نسبت به طبیعت اشاره می کند و می گویند تنها قرآن است که طبیعت را مسخر انسان می داند و کلام وحی کوشیده تا از این طریق سرنخ ها و سرفصل هایی برای تولید علوم روز به انسان بدهد و با افزایش ایمان، او را به خدا باوری نزدیک کند. ادامه گفتگوی ما را بخوانید.



مجموعه عهدین معتبر است ولی یهودیان فقط عهد قدیم یا همان تورات را قبول دارند بنابراین باید به دو حوزه اشاره کرد. یکی اینکه آیا در تورات اشاره به مباحث طبیعی هست یا نیست آنچنان که در قرآن هست. و بحث دیگر اینکه در انجیل چطور؟ در بخش اول که مربوط به تورات است موارد مشابهت با قرآن دیده می شود. تورات همانند قرآن، طبیعت را دلیل بر قدرت و سلطنت الهی می داند و برای اثبات خدا به مظاهر طبیعی استدلال می کند. این شباهت ها در موارد زیادی وجود دارد ولی موارد اختلاف و تفاوتی هم پیدا شده و آن اینکه قرآن معمولاً هر زمان از طبیعت یاد می کند با یک چهره زیبا و بشارت دهنده ای یاد می کند قرآن به پادها که می رسد می گوید پادها بشارت دهنده اند اما تورات سیمای خشن و هولناک ارائه می دهد و می ترساند و همواره در ذهن افراد طبیعت را به عنوان موجودی وحشت آفرین و مخوف ترسیم می کند. دریاها، پادها، شب ها، روزها، مظهری از شر معرفی می شوند که کمر به تالیف انسان بسته اند اما بر خلاف نظر تورات، قرآن نه تنها چهره مخوف از طبیعت ارائه نمی کند بلکه می کوشد طبیعت را رام و مهربان و خادم بشر برای انسان نشان دهد. قرآن بیشتر به منافع و سودمندی های طبیعت اشاره می کند. از آنها به نعمت های خدا یاد می کند که مسخر انسان است مثلاً از دریا به مرکب راهوار انسان یاد می کند که در تجارت ها مورد استفاده قرار می گیرد. سنگ های قیمتی و گوشت تازه از آن بدست می آید. اما در دیدگاه تورات، دریا یک موجود خشن است که هر آن قصد بلعین انسان را دارد. تورات همچنین به زمین نگاه بدبینانه دارد و آن را ملعون و

### \* چه ارتباطی میان قرآن و علوم طبیعی برقرار است؟

\* باید توجه داشته باشیم که خداوند متعال که انسان را خلق کرده سرنوشت او را به گونه ای رقم زد که در نامن طبیعت رشد کند و به طبیعت نیازمند باشد. مظاهر طبیعی به عنوان مواهب الهی در خدمت انسان قرار می گیرد تا نیاز های او را بر آورده کنند و زمینه ساز حیات او باشند. قرآن کریم در این آیات از زوایای گوناگون به طبیعت نگریسته است. گاهی نیز به برخی از این پدیده های طبیعی سوگند یاد کرده است. در قرآن سوگند به انجیر و زیتون در سوره تین سوگند به خورشید و ماه، روز و شب، آسمان و زمین در سوره شمس، سوگند به صبح در سوره تکویر و سوگند به سینه دم در سوره الفجر. نکته بعد اینکه از نظر قرآن بر خلاف بسیاری از مکاتب، مظاهر طبیعی، آیات و نشانه های الهی شمرده شده اند و از این راه انسان را به شناسایی طبیعت و تدبر در آن فرا خوانده است. مکاتب فلسفی و اخلاقی مطالب شان را به شکلی خاص خود و نه آنچه قرآن گفته نقل می کنند اما قرآن با توسل به واقعیات طبیعت و زندگی مردم مثال می زند و توضیح می دهد.

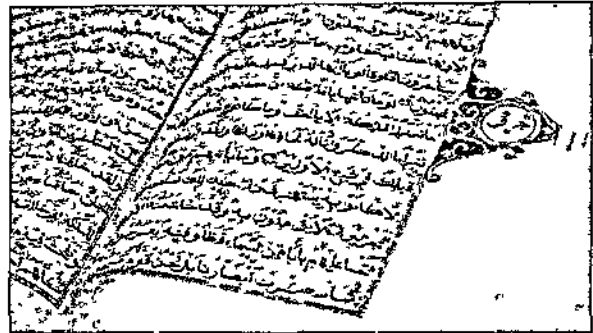
### \* اما گاهی برخی از مظاهر طبیعی مورد پرستش قرار گرفته اند که بر خلاف نظر قرآن است؟

\* همین طور است در طول تاریخ، طبیعت و مظاهر طبیعی در جایگاه خودشان نبوده اند و در بین بسیاری از اقوام در حد معبود مطرح می شدند. اکنون هم اقوام زیادی خورشید را می پرستند آب را می پرستند. در حقیقت نوعی تقدس برای آن قابل بوده اند که این نشان دهنده نیاز انسان به معبود و یک جایگاه دینی است. همه اینها به خاطر منافع زیادی بوده که طبیعت برای بشر گذشته داشته است اما با پیشرفت علم، طبیعت درست در مقابل خدا قرار می گیرد یعنی اسبابها و یا دلشمنانلی پیدای می شوند که سعی می کنند با پیدا کردن فرمول های حاکم بر طبیعت اثبات کنند که اینها خدایی نیستند. قرآن معتقد است که طبیعت نه تنها مخالف و معارض یا خدا نیست بلکه مظهر عظمت و علم و نشانی از نشانه های خلقت است.

### \* آیا در عهدین هم اشارات علمی مبنی بر مظاهر طبیعی وجود دارد؟ تفاوت های اشارات قرآن با عهدین را هم بیان کنید؟

\* اصطلاح عهدین یا کتاب مقدس اصطلاحی است که به تورات (عهد قدیم) و انجیل (عهد جدید) اطلاق می شود. البته در نزد مسیحیان

و نفرین شده معرفی می کند. زمین قرارگاه انسان و تامین کننده نیازهای اوست. تورات همچنین معتقد است که خدا در آفرینش آسمان و زمین که در ۶ روز بود خسته شد یعنی ساختن زمین و آسمان که از روز یکشنبه شروع شد و تا جمعه طول کشید خدا را خسته کرد. بنابراین شنبه، روز استراحت خدا بود به این خاطر شنبه در آیین یهود روز تعطیل است.



درست در مقابل این، آیه ای نازل شد که ما آسمانها و زمین را خلق کردیم و آنچه در بین آنهاست اما نه در شش روز بلکه در ۶ دوره این آفرینش صورت گرفت تا به شکل کنونی در آمد زمین تکه ای از خورشید بود که به تدریج شکل گرفت. خدا در این آیه تاکید می کند که اصلاً هم خسته نشدیم. قرآن معتقد است که طبیعت و هر چه در آن است در مقابل قدرت خدا چیزی نیست که خسته کند ولی در دیدگاه تورات، طبیعت هم سنگ با خدا قرار دارد.

اما در مورد انجیل که کتاب مقدس مسیحیان است همین اشکالات وارد است. انجیل در مورد طبیعت حرف چندانی نگفته است فقط گاهی از باد و دریا استفاده می کند اما به عنوان اینکه معجزه ای در آنها رخ داده است. مثلاً دریا موج زیادی داشت و به فرمان عیسی آرام گرفت. بیشتر بحث اعجاز که توسط انجام شده نسبت به مظاهر طبیعت یاد آوری می شود و اساساً انجیل میانه خوبی با طبیعت و نعمت های مادی و لذایذ طبیعی ندارد. انجیل معتقد است که هر چقدر کمتر از طبیعت استفاده شود بهتر است و زهد را در همین می داند زهد را استفاده نکردن از طبیعت معنا می کند «زودواج نکن، غذای خوب نخور، برو و در غاری عبادت کن. مسکن خوبی نداشته باش» الان خودشان هم به این نتیجه رسیده اند که این کارها فایده ای ندارد و معقول نیست و افرادی که این دیدگاه را مطرح کردند به خلافت کشیده شدند درست در مقابل این دیدگاه، اسلام می گوید که زهد این نیست و رهبانیت در اسلام رد شده است و گفته که چه کسی این نعمت ها را رد کرده است. اسلام می گوید که استفاده کن اما از راه مشروع.

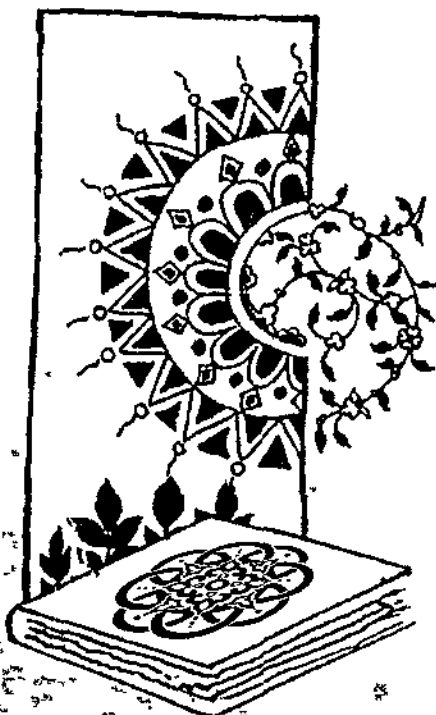
• هدف از بیان این اشارات علمی در قرآن چیست؟

• قرآن در این باره اهداف گوناگونی بر شمرده است از جمله می گویند به کوه ها، و به زمین نگاه کنید که چقدر گسترده شده است به شتر نگاه کنید که چطور خلق شده است. برای چه به اینها نگاه کنیم؟ فقط برای اینکه نگاه کرده باشیم یا اینکه از این طریق به خالق برسیم. برای رسیدن به خدا. قرآن، نگاه کردن و توجه به طبیعت را مطرح کرد و این یکی از اهداف است. نگاه کردن به آسمان و زمین و تدبیر در آن ایمان بشر را افزایش می دهد اما تامل و نگریستن به اینها ممکن است بسیار سطحی و در حد شناخت

خود آن باشد که برخی زمین شناسان - کوه شناسان - و ... از این دسته اند اما یک وقت می رسمیم به اینکه چطور به این شکل در آمده است. آیا دستی در وراء آن وجود ندارد. یکی دیگر از اهداف این است که وقتی شما بر طبیعت نگاه می کنید به اصل وجود خدا و یگانگی او پی می برید. ما دی گرایان شاید گاهی بگویند که ساختار طبیعت شکل دیگری دارد و یا چند خدا در آن شریک بودند اما اگر کمی دقت کنید می بینید که بر همه اینها یک سیستم حکم فرماست. به توحید و یک خدایی می رسید نه چند خدایی.

از دیگر اهداف، اثبات معاد است. زمانی که به طبیعت بنگرید پی می برید که یک جهانی باید پس از این جهانی باشد و درست بر عکس کسانی که در طبیعت غرق می شوند و بدون اینکه ماوراء آن را ببینند طبیعت گرا می شوند مادی گرا و دنیا گرا می شوند و یادشان می رود که عالم دیگری هم هست. قرآن می گوید اتفاقاً اگر به همین ها دقیق نگاه کنید به خدا می رسید قرآن می گوید ما بر زمین مرده آب را نازل کردیم بعد به جنب و جوش آمد و بذریه ای که درون خاک بود سر بر آوردند و سبز شدند پس روز قیامت هم همین طور است و شما انسانها مثل پلر در درون زمین دفن می شوید اما نابود نمی شوید.

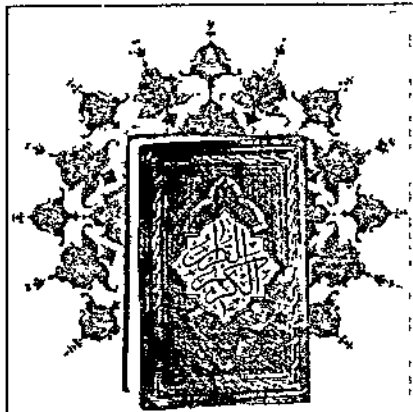
گاهی نیز خداوند برای دلناری به پیامبر از مظاهر طبیعی استفاده می کند. پیامبر از اینکه مردم لجبازی می کنند و اسلام را نمی پذیرند دلگیر است. خدا برای دلناری دادن به پیامبر می فرماید بین پروردگار تو چگونه سایه را ایجاد کرد. بین خورشید را چطور ایجاد کرد و چگونه شب را مایه آرامش قرار داد. چطور خواب را بر شما مسلط کرد و بادهای بشارت دهنده را چطور فرستاد. پس معلوم می شود که حتی یاد طبیعت آرامش بخش است.



البته در بالا اشاره شد ولی ارتباط آیات علمی قرآن با ایمان را کمی بیشتر توضیح می دهید؟

ببینید یک بحثی که همیشه مطرح بوده جامعیت قرآن و وجود تمام علوم در قرآن بوده است. از همان آغاز پیدایش قرآن این نظریه وجود داشته است اولین نفری هم که مطرح کرد غزالی بود که می گفت علم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد نجاری، کشاورزی، صنعت و ... در قرآن هست

دانشمندان بعدی که زمان ما آمدند می گفتند که در هواپیما سازی هم می شود از قرآن استفاده کرد یک دیدگاه درست در مقابل اینها بوده است. چون دیدند که علم متزلزل است و ممکن است هر روز یک نظریه ارائه و روز بعد نقض شود گفتند که قرآن اصلاً کتاب علم نیست و نباید از قرآن توقع علم داشت در واقع قرآن آمده شما را به سوی هدف اخروی و معنوی هدایت کند اما کامپیوتر را خودتان بسازید صنعت را خودتان ایجاد کنید در کل قرآن کتاب هدایت گری است گروه اول هم که گفتند قرآن کتاب تمام علوم است. اما یک نظر سومی وجود دارد که استاد ما آقای معرفت می گفت: ما قبول داریم کتاب هدایت است و نباید انتظار داشته باشیم که کامپیوتر و هواپیما را هم به ما یاد بدهد این توقع غلطی است.



معتقدیم که چون قرآن در دست ماست، پس سرخ ها و سر فصل های اصلی هم در دست ماست بر این اساس باید حرکت کنیم

از یک کتاب ریاضی توقع ریاضی و از کتاب پزشکی باید توقع پزشکی داشت قرآن هم آمده هدایت کند که درست زندگی کنید تا آخرت تان نابود نشود ولی این منافاتی ندارد با اینکه گاهی اشاراتی کند و سرفصل هایی از علوم ارائه دهد مسلمانان اگر با فهم صحیح از آیات قرآن دنبال این سر فصل ها می رفتند به برخی از علوم می رسیدند که امروز کشف شده، می رسیدند مثلاً قرآن می گویند که ای مردم حیات شما در این دنیا آخرین مرحله از حیات نیست، قسم هم می خورد به روز قیامت که ما شما را زنده می کنیم و باز قسم می خورد که گمان می کنید ما استخوان های پوسیده شما را دوباره جمع نمی کنیم؟ می گویند چرا ما قدرت داریم سر انگشت شما را دوباره بسازیم، چرا می گویند سر انگشت؟ حرفش اثبات معاد است. چرا از چشم صحبت نکرد چرا از مغز و ... چیزی نگفت و چرا گفت ما قدرت داریم سر انگشت شما را دوباره ایجاد کنیم. می خواهد یک سرخ به ما بدهد (آیه یک تا سه سوره قیامت) که اگر مسلمانان دنبال آن می رفتند علم انگشت نگاری را کشف می کردند اما تبلی کردند مسلمانان قرآن را خواندند اما نفهمیدند که خدا از سر انگشت سخن گفت سر انگشت انسان خطوطی دارد که در بین میلیاردها نفر هیچ شباهتی ندارد این هنر نمایی خدا را در ۲ سانتی متر سر انگشت انسان می رساند حتی شنیدیم که دانشمندان اسرائیلی استفاده بیشتری از این سرخ های قرآن می کنند و بارها گفته اند حیف قرآن که کتاب شما مسلمانان است. به هر حال در بیان ارتباط میان آیات علمی قرآن با ایمان من معتقدم که اگر آیات علمی قرآن را با هر نظریه علمی تطبیق بدهیم ممکن است آن نظریه علمی بعداً نقض و متزلزل شود و ایمانها را بشکند ولی بعضی از نظریات علمی از حد نظریه گذشته و تبدیل به قانون علمی شده است که قابل تفسیر نیست.

مثل جاذبه زمین که امکان ندارد ۵۰۰ سال بعد نقض شود ما باید آن دسته از آیات قرآن که با قوانین علمی سازگار است را بشناسیم چون اینها ایمان ها را زیاد می کند ولی به شرطی که به دام لغزش نیفتیم و با نظریه متزلزل علمی تطبیق ندهیم باید آن را شناخت تا بتوان بدون اینکه قرآن زیر سوال برود اثباتش کرد به عنوان مثال ۲ آیه در قرآن داریم که می گویند خدای شما کسی است

که آسمانها را بر افراشت بدون ستونی که ببینید ستون نامرئی دارد خب تامل در اینکه پیامبر در ۱۴۰۰ سال قبل چطور این حرف ها را زده است ایمانها را زیاد می کند یک نمونه دیگر این که در سوره یاسین خدا می فرماید که خورشید «جریان» دارد و به سوی قرار گاهی مشخص در حرکت است. این آیه وقتی نازل شد که اصلاً علم وجود نداشت. در محیط های دانشگاهی آن زمان هم هیات بطلمیوسی قایل به این بودند که خورشید به دور زمین می چرخد و زمین ثابت است آیه «تجری» یا جریان داشتن که خورشید که نازل شد ستاره شناسان آن زمان به قرآن اعتراض کردند و گفتند که قرآن اشتباه می کند و خورشید جریان ندارد و دور میزند و گفتند این آیه خلاف علم است. ۸۰۰ سال مسلمانان تاکید کردند تا اینکه گالیله پید

شد و گفت که بطلمیوسی اشتباه کرده است و این زمین است که به گرد خورشید می چرخد و خورشید ثابت است. آخرین تحقیقات ستاره شناسی که زمان ما به آن رسیدند حرف گالیله که زمین به دور خورشید می چرخد را تایید کرد اما گالیله نگفت که زمین و کل منظومه شمسی به دور خورشید می چرخد و تماماً با مرکزیت خورشید جریان دارد و به سمت ستاره مگا می روند این درست همان چیزی است که قرآن ۱۴۰۰ سال قبل گفته است.

اما دانشمندان تجربه گرای غربی این ها را قبول نمی کنند حتی تولید علم در جهان اسلام به شدت دچار ضعف است و بیشتر تولیدات و ترجمه های علمی غربی در این جوامع عرضه می شود؟ درست است که اکنون قبول ندارند اما یک روزی به این خواهند رسید و اینکه ما هنوز دنباله رو علم غربی هستیم نشان از تبلی مسلمانان دارد اما معتقدیم که چون قرآن در دست ماست، پس سرخ ها و سر فصل های اصلی هم در دست ماست بر این اساس باید حرکت کنیم اینجا دیگر یک دانشمند الهیات به تنهایی نمی تواند کاری بکند او باید با تعامل با دانشمندان علمی و دانشگاهی این چرخه را کامل کند. عالم الهیاتی باید سرخ ها را از قرآن بیرون بکشد و تحویل دانشمندان علمی و تجربی دهد تا به اثبات برسد تا تولید علم اسلامی و بومی صورت بگیرد.